

## خشونت در مجالس رزم با تأکید بر نگاره‌های اسطوره‌ای دوایستی نگارگری ایران از منظر اسلاوی ژیتک (خشونت اسطوره‌ای)

سارا نوری\* - اشرف‌السادات موسوی لر\*\*

دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه الزهرا (س) - استاد پژوهش هنر دانشگاه الزهرا (س)

### چکیده

رزم در باور ایرانیان قدمت بسیاری دارد و مبارزه همیشه از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی قهرمانان ایرانی بوده است. این مبارزه ابتدا با درگیری دائمی خیر و شر مطرح می‌گردد و سپس به صورت‌های متفاوت در دوره‌های مختلف هنر ایران، بازنمود پیدا می‌کند. اسلاوی ژیتک، متفکر معاصر غربی، در کتاب‌ها و مقالات خود به مبحث خشونت پرداخته و سویه‌های پنهان آن را افشاء کرده است. پژوهش پیش‌رو با روش تحلیلی - تطبیقی، درصدد است بررسی کند که در نگارگری ایران، خشونت چگونه و با چه مفاهیمی (دوایستی) تصویر شده است و سپس با بررسی دیدگاه ژیتک در باب خشونت (خشونت اسطوره‌ای) گفتار وی را با نگاره‌های اسطوره‌ای ایران تطبیق دهد. این مقاله، سه نمونه از نگاره‌های شاهنامه فردوسی را با نظریه خشونت اسطوره‌ای تطبیق داده و میزان انطباق گفتار اسلاوی ژیتک و والتر بنیامین درباره خشونت را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این نظریه قابلیت مطالعه تطبیقی با نگاره‌های ایرانی را دارد و می‌تواند روشی برای نقد هنری ایران باشد.

**کلیدواژه‌ها:** خشونت اسطوره‌ای، ژیتک، مجالس رزم، نگارگری، هنر ایران.

---

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

\* Email: s.nouri@alzahra.ac.ir (نویسنده مسئول)

\*\* Email: a.mousavilar@alzahra.ac.ir

## مقدمه

بخش وسیعی از ادبیات و هنر تصویری اسطوره‌ای ایران، بیان‌کننده داستان‌ها و ماجراهای مبارزات، پیروزی‌ها، شکست‌ها و عقوبت اعمال حاصل کنش و واکنش‌های مختلف است؛ داستان‌هایی که ریشه در عقاید باستانی ایران‌زمین دارد و با تغییراتی ویژه در دوره‌های متفاوت هنری، بازنمود می‌یابد. صحنه‌های رزمی دارای عناصری مشترک و گاه کاملاً متفاوتند اما به صورت کلی نمود واحدی از تقبیح اعمال ناشایست، بدی، شرارت و خوی اهریمنی هستند. در صحنه‌هایی که مجالس رزم را نشان می‌دهند، بین نیکی و اهریمن‌جنگی برپاست که خشونت تصویری را با نماد و رنگ و کنش رفتاری متفاوت تداعی می‌کند.

اسلاوی ژیزک<sup>۱</sup> فیلسوف، نظریه‌پرداز، جامعه‌شناس، منتقد فرهنگی و سیاست‌مدار اسلوونیایی، درباره خشونت (عریان و پنهان) دیدگاه‌هایی دارد که در این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود و ضمن اشاره به خاستگاه فکری و هنری مبارزه، با هدف دریافت مفاهیم و نمودهای ادبی در آثار هنری، خشونت تصویری موجود در صحنه‌های رزم با گفتار ژیزک تطبیق و تحلیل می‌شود. در ادامه، با بررسی نشانه‌ها و نمادهای مبارزات، به نقش اسطوره در شکل‌گیری فرهنگ مبارزه پرداخته می‌شود.

## سؤال پژوهش

هدف از این پژوهش، تحلیل ساختاری و مفهومی مبارزه در نگارگری‌های اساطیری ایران است که در دوره‌های مختلف تاریخی و در سبک‌های مختلف، به صورت نبرد خیر و شر، پیروزی بر پلیدی، مبارزات موجود در بخش تاریخی و اسطوره‌ای شاهنامه و... خودنمایی می‌کند. بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهند که الگوها و نشانه‌های نوع ادبی مبارزات در هنر ایرانی و تحلیل ویژگی‌ها و نقش اسطوره در این حوزه بر نگاره‌ها مؤثر بوده است. بر این اساس پرسش‌های مطرح در این مقاله عبارتند از:

- مفهوم خشونت در مبارزه چگونه و به چه صورت در قالب نگارگری به تصویر کشیده شده است؟

---

1. Slavoj Žižek

س ۱۶ - ش ۵۹ - تابستان ۹۹ - \_\_\_\_\_ - خشونت در مجالس رزم با تأکید بر نگاره‌های اسطوره‌ای... / ۱۸۳

- انتقال مفاهیم نبرد در تصور دوالیستی ایران باستان چگونه و با چه نشانه‌هایی صورت گرفته است؟
- خشونت در نگاره‌های هنری ایران چه معنا و فرهنگی را بازنمایی می‌کند؟
- بر اساس دیدگاه‌های ژیتزک دربارهٔ خشونت، چه تحلیلی می‌توان از این صحنه‌های رزمی و خشونت‌آمیز هنر ارائه داد؟

### اهمیت و ضرورت پژوهش

بخش بزرگی از نمودهای هنر و ادب پارسی بر پایهٔ خیر و شرّ و مبارزهٔ همیشگی آن‌ها شکل گرفته است. شناخت خشونت شکل گرفته در نگاره‌های هنری می‌تواند بعضی از کنش‌های اجتماعی که بر اساس هنر در جامعه شکل می‌گیرد را تبیین کند. بر همین اساس، این تحقیق، اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. این بررسی، خصوصیات، روابط، تأثیرات و نقش خشونت در شکل‌گیری صحنه‌های مهم مجالس مبارزه را تبیین کرده و آشکار می‌سازد. بنابراین در مقالهٔ پیش‌رو موضوع اساسی و بنیادین نگارگری ایران، یعنی مبارزهٔ خیر و شرّ که از دوران باستان تاکنون، در ساختارهای متفاوت به تصویر درآمده است را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

### روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا مطالب به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی و بر پایهٔ تصاویر نگارگری که در پیشینهٔ ادبی و هنری ایران وجود دارد، گردآوری شده و سپس اطلاعات جمع‌آوری شده، به صورت تحلیل زیباشناسانه و تطبیقی نگاره‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به موضوع خاص مقاله که بر بررسی زیبایی‌شناسانه مفهوم مبارزه در نگاره‌های دوران مختلف ایران متمرکز است، مفهوم اسطوره‌ای مبارزه به همراه نمادها و نشانه‌ها در چندین نگاره منتخب، از نظر زیباشناسانه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

### پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ موضوع «رزم در نگارگری ایرانی»، کتاب‌ها و مقالات اندکی موجود است؛

از جمله ابراهیم واشقانی فراهانی و ناصر مقدم‌پور (۱۳۹۲)، در مقاله «رزم و بزم در هنر ایرانی»، به تعریف و بیان خاستگاه رزم و بزم در هنر و ادبیات ایران پرداخته و صحنه‌های دارای این موارد را در معماری، نقش برجسته، نقاشی و... مورد بررسی قرار داده‌اند.

اثر دیگری از محمدعلی توانا و نفیسه اله‌دادی (۱۳۹۶)، با عنوان «خشونت در وضع مدنی هابز: بازخوانی لویاتان» منتشر شده که گونه‌های مختلف خشونت در نظریه «وضع مدنی» هابز را بر مبنای دیدگاه اسلاوی ژیتزک بررسی کرده است. رفعت حاجی‌زاده (۱۳۸۵) در مقاله «خیر و شرّ در آئین مزدیسنی»، به مبارزه همیشگی خیر و شرّ در آئین ایرانی می‌پردازد و به این تفکر دوالیستی بین ایرانیان، آریایی‌های هند و ایران قبل از زرتشت اشاره کرده است. کتاب خشونت (پنج نگاه زیرچشمی)، اثر اسلاوی ژیتزک (۱۳۹۲)، نیز کتابی است که نظرات ژیتزک درباره خشونت را در بردارد.

### بحث و بررسی

اسلاوی ژیتزک متفکری شناخته شده در حوزه نظریه انتقادی است که گفتمان وی در باب خشونت به نحوی وامدار یکی دیگر از شخصیت‌های نظریه انتقادی، یعنی «والتر بنیامین» است. بنیامین با مقاله «نقد خشونت» (۱۹۲۱)، مناظره‌ای ناتمام در باب خشونت مطرح کرده که تاکنون جدال بر سر آن ادامه دارد. خشونت در نگاه بنیامین بستری جدید پیدا می‌کند، بستری که اتفاقاً محل تصادم دیدگاه وی با ژیتزک به شمار می‌رود. بستر مورد نظر نه در ساحت قانون، بلکه در ساحت عدالت و عرصه مناسبات اجتماعی اخلاقی، نگرشی جدید به خشونت را طلب می‌کند. (ژیتزک ۱۳۹۲: ۱۲)

از دیدگاه اسطوره‌ای، در ابتدای آفرینش، خیر و شرّ، پایه‌پای یکدیگر و در کش‌وقوس‌های متعدد و مبارزات مختلف، حضور دارند. «اگرچه پیدایش اهریمن، آرایش و سامان یکپارچه جهان آغازین را برهم زد، اما پدیدآورنده نخستین بارقه‌های آفرینش هم بود.» (آلن و همکاران ۱۳۸۴: ۳۰) در ادامه با عنوان اسطوره بیشتر آشنا می‌شویم.

## پیدایش مبارزان و جنگاوران

جنگ و مبارزه شاهان و پهلوانان ایزدی ایرانی با شاهان و دیوان و شرارت‌ها، الگو از نبردهای مینوان آسمانی دارد. ثنویت، موضوع یگانه این مبارزات است و همواره بین دسته‌ها و گونه‌های مختلف حیاتی وجود دارد؛ مبارزه‌ای همیشگی بین نیکی و بدی. موضوع مبارزه همانند دیگر عناوین اصلی هنری، در ادبیات پارسی ریشه دارد که از نظر اهمیت، گستردگی، تفاوت و تنوع اهمیتی بسیار در نگارگری دارد. با توجه به پیشینه هنری ایران، نگارگری از قالب منظوم یا غیر منظوم شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، بیشترین آثار مجالس رزم را دربرمی‌گیرد.

مهم‌ترین مبارزان میادین جنگ، پادشاهان، پهلوانان و قهرمانان هستند. پهلوانان اشخاصی با اخلاق و انسان‌مدارند که سیمایی زیبا و نژادی پاک و پر افتخار دارند. بیشترین داستان‌ها از مبارزه پهلوانان در شاهنامه ترسیم شده است. اکثر این پهلوانان الگوی مبارزاتی و نماینده پیروزی بر شر هستند و در تمام مبارزات باید پیروز مجالس باشند، زیرا این نیکی است که همواره پیروز است. این افراد گاه با دیگر اشخاص که به بدنامی و بد کنشی معروفند، در مبارزه هستند و گاه با دیوها و اژدهایانی بدصفت می‌جنگند و حتی اگر شکستی بخورند، در راستای ارتقای اخلاقیات است.

درباره پهلوانان دوران کهن و رزم‌آوری‌های آن‌ها مستند و گواه مکتوبی وجود ندارد، آنچه باقی مانده در قالب ادبیات شفاهی و داستان‌هایی در حافظه مردم است که بعدها به رشته تحریر درآمده است.

«چنانکه از اشارات اوستا برمی‌آید، در سرزمین‌های ایرانی، نخستین سازمان‌های تکامل‌یافته‌ای که به منزله دولت بود، احتمالاً در طرف مشرق به وجود آمده است. این نقاط، صحنه‌های رویدادهای تاریخ اساطیری ایران باستان است که بهترین توصیف آنها، قرن‌ها بعد در شاهنامه فردوسی آمده است. اختلافات موجود میان دو سرزمین ایران و توران، مینا و اندیشه اصلی سنت ملی ایران و تصور ثنویتی است که ایرانیان از جهان و تاریخ داشتند.» (ریپکا ۱۳۸۱: ۱۷-۱۶)

تعلیمات زرتشت بر پایه ثنویت شکل گرفته و دوبن‌باوری - یا باور به اینکه خیر و شر از ازل تا ابد وجود دارند و در نبردی جهانی درگیرند - عموماً یکی از آموزه‌های اصلی کیش زرتشتی به شمار می‌رود. (آلن و همکاران ۱۳۸۴: ۵۸) این تعلیمات در بخش مهمی از متون کهن ایرانی و اساس شکل‌گیری اساطیر ایرانی برجای مانده است.

هسته تمام داستان‌ها و اعتقادات اساطیری در شاهنامه فردوسی نمود یافته است. موضوع داستان‌های شاهنامه، شرح احوال، پیروزی‌ها، شکست‌ها، ناکامی‌ها و دلاوری‌های ایرانیان است که بخش کهن آن، از ظهور کیومرث، نخستین پادشاه جهان، تا سرنگونی ساسانیان را شامل می‌شود. در کنار شاهنامه، حماسه‌های فارسی دیگری نیز وجود دارند که از حماسه‌سرایی ساسانی ریشه می‌گیرند؛ همچون گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه، برزنامه، سام‌نامه و غیره. در این تحقیق تنها به بررسی تصاویر نگارگری شده از منابع در دسترس پرداخته می‌شود.

### تفکر دوالیستی

یکی از ویژگی‌های اصلی اساطیر ایران، ثنویت است. این موضوع در تاریخ دوازده‌هزار ساله اساطیری، به خوبی نمایان است. مهرداد بهار درباره آغاز آفرینش، چنین نقل می‌کند: در ازل، هرمزد بود و اهریمن، یکی در روشنایی لایتناهی بر فراز و دیگری در تاریکی بی‌پایان، در فرود. این‌چنین، چیزهای بد با نیکی‌ها آمیخته است، اما زمان آماده و معینی خواهد آمد که اهریمن، آورنده بیماری و خشکسالی، باید یک‌باره نابود و نیست گردد، آنگاه زمین هموار و هم‌طراز می‌شود و مردمان زندگی یکسان و شهریار و کشوری یکتا خواهند داشت و همگی خجسته گشته، به یک زبان سخن خواهند گفت. (به نقل از حاجی‌زاده ۱۳۸۵: ۱۰۰)

### دیدگاه ژیزک درباره خشونت

نخستین گام، تعریف مفهوم خشونت است؛ البته خشونت مفهومی مبهم است و تعاریف متفاوت دارد. می‌توان خشونت را از منظرهای روان‌شناختی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی، اخلاقی و فلسفی تعریف نمود. مقاله حاضر، بیشتر بر بُعد فلسفی خشونت تأکید دارد. با توجه به نگاره‌های رزمی، خشونت گونه‌ای داوری، سرکوب و قدرت منفی و انتقام به شمار می‌رود. خشونت، آسیب و صدمه‌ای است که به صورت غیرقانونی به شخص یا گروهی وارد می‌آید. (توانا و اله‌دادی ۱۳۹۶: ۳) ژیزک با آمیختن مباحث فلسفی به زندگی روزمره، پنج یا به

س ۱۶ - ش ۵۹ - تابستان ۹۹ - \_\_\_\_\_ خشونت در مجالس رزم با تأکید بر نگاره‌های اسطوره‌ای... / ۱۸۷

تعبیری، شش گونه خشونت را از هم متمایز می‌کند: کنش‌گرانه، کنش‌پذیرانه، نمادین، سیستمی، خدایگانی و اسطوره‌ای؛ سیستمی خود ترکیبی از خشونت‌پذیرانه و نمادین است. (توانا و اله‌دادی ۱۳۹۶: ۴)

**خشونت کنش‌گرایانه:** گونه‌ای از خشونت آشکار است که کنشگران اجتماعی، دستگاه‌های انضباطی و سرکوب‌گر یا جمعیت کهنه‌پرست، اعمال می‌کنند و دارای فاعل مشخص و ملموسی است که از آن به مثابه ابزار، بهره می‌برد. (ژیژک ۱۳۹۲: ۲۰)

**خشونت سیستمی:** از نظر ژیزک، مشخصه خشونت سیستمی، نظام‌مندی و قاعده‌مندی آن است. به عبارتی، خشونت سیستمی نتیجه منطقی عملکرد ملایم و روان سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است که معمولاً فاجعه‌بار است. (توانا و اله‌دادی ۱۳۹۶: ۵)

**خشونت کنش‌پذیرانه:** شبیه همان فضای گفتمانی حاکم بر سوژه است که هم‌زمان، وی را به عنوان فاعل و مفعول به کار می‌گیرد و نتیجه آن، پذیرش سرکوب خود و دیگری است. (همانجا)

**خشونت نمادین:** این خشونت آرام و پنهان است و با هم‌داستانی کسی انجام می‌گیرد که هدف این خشونت قرار می‌گیرد. هدف اصلی این خشونت، هنجارها و نمادهای اجتماعی است. (همان: ۶)

**خشونت خدایگانی و اسطوره‌ای:** ژیزک از خشونت اسطوره‌ای نام می‌برد. او این نظریه را وامدار والتر بنیامین است. طبق سخنان بنیامین در مقاله نقد خشونت، خشونت اسطوره‌ای قانون‌گذار، تعیین‌کننده مرزها، با هم آوردن گناه و مکافات، و همچنین تهدیدکننده است. (ژیژک ۱۳۹۲: ۱۷۲) خشونت اسطوره‌ای قربانی می‌طلبد و بر زندگی محض قدرت دارد. همچنین وسیله‌ای است برای برقراری حکومت قانون و نظم اجتماعی - حقوقی. (همان: ۱۷۵) با توجه به این گفتار، می‌توان مفهوم مبارزات اسطوره‌ای را بهتر درک کرد. تمام مبارزات با پیروزی خیر بر شر همراه است که مبنای اصلی قانون‌گذاری، مکافات عمل و تهدید شرارت است.

خشونت خدایگان و اسطوره‌ای، خود از باورهای عمومی نشئت می‌گیرد. این باورها از جانب خداوند سخن می‌گویند یا از جانب اسطوره‌ها. (توانا و اله‌دادی

۱۳۹۶: ۸) باورهای عمومی بزرگ‌ترین سهم را در شکل‌گیری و هدف‌دار کردن اسطوره‌ها دارند. در ادامه، به اجمال، چند نگاره بررسی می‌شود که می‌توان خشونت اسطوره‌ای را در آن‌ها جست‌وجو کرد.

### تحلیل مجالس مبارزه

در ایران باستان، مانند دیگر کشورهای کهن (مصر، بابل، چین و هندوستان)، افسانه‌های بدیعی دربارهٔ اژدها وجود داشته است. داستان نبرد میان اهی با ورتیره با ایندیره، به نحو وسیعی در میان اقوام هندی و ایرانی رایج بوده، اما درحالی‌که در سرزمین‌هایی چون هندوستان و بابل، اژدها نماد خشک‌سالی و تاریکی و سیل‌های ویرانگر بود، در ایران مظهر شرارت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی به شمار می‌رفت. در میان دیوانی که نام آن‌ها در *اردیبهشت‌یشت* آمده، به اژدهازادگان اهمیت ویژه‌ای داده شده است. در *اوستا*، اساطیر فراوانی دربارهٔ اژدها وجود دارد که به آسانی توانسته‌اند آن‌ها را به یک شخصیت تاریخی که مورد تنفر بوده و نامی همانند اژی‌دهاک داشته است، نسبت دهند. (کویاجی ۱۳۵۳: ۱۷۷-۱۷۶)

یکی از مجالس معروف مبارزه و خشونت‌آمیز، جنگ با اژدها است و نیز یکی از هفت‌خانی که اسفندیار در راه رسیدن به رویین دژ، با آن روبه‌رو شد. اژدها، موجودی اسطوره‌ای است و اگر خشونتی روا می‌دارد، خشونتی ذاتی است که در اسطوره‌ها بر آن تأکید شده است. در اغلب نگاره‌ها، اژدها به عنوان موجودی فرازمینی و شرور ترسیم شده است. با اینکه ظهور اژدها در نگاره‌ها را یک عنصر چینی می‌دانند، به‌ویژه بعد از حمله مغول و دورهٔ ایلخانیان، در نگارگری ایران، اژدها نقش منفی و خشونت‌آمیز دارد درحالی‌که در زادگاهش، چین و شرق دور، به اندازهٔ ایران، منفی و خشونت‌بار نیست. به نظر می‌رسد نوعی مبارزهٔ پنهان با حضور مغول‌ها در ایران در جریان بوده که نماد آن‌ها را در نقشی منفی و خشونت‌آمیز به نمایش گذاشته‌اند.

طبق داستان *شاهنامه*، اسفندیار گردونه‌ای چوبی ساخت که دارای سقف و بدنه‌ای انباشته از شمشیر و نیزه بود. سپس گردونه را همراه با دو اسب به پناهگاه اژدها روانه کرد که موجب خشم اژدها شد. اژدها دهان باز کرد و اسب و گردونه



س ۱۶ - ش ۵۹ - تابستان ۹۹ - خشونت در مجالس رزم با تأکید بر نگاره‌های اسطوره‌ای... / ۱۸۹

را بلعید که موجب دریدن گلویش شد، سپس آنچه را در دهان داشت با سیلی از خون، بالا آورد. آن‌گاه اسفندیار از گردونه خارج شد و با ضربه‌ای مهلک، اژدها را از میان برداشت.



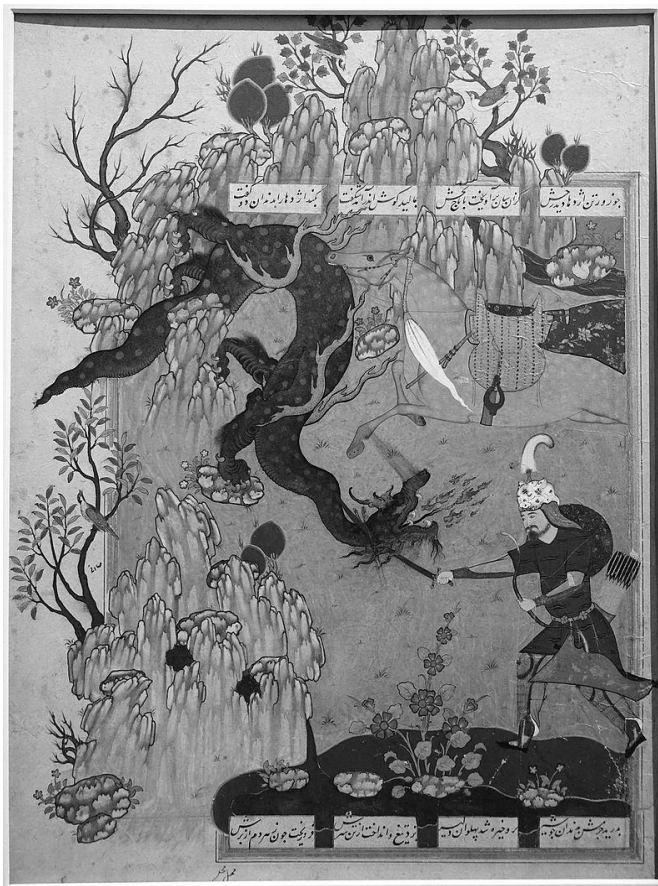
تصویر ۱. کشته شدن اژدها به دست اسفندیار. شاهنامه، ۷۳۳هـ مکتب شیراز، آل اینجو، موزه توپقاپی سرای، استانبول. (افراسیابی و علیزاده ۱۳۹۳: ۶۹)

در مجلس اول، مبارزه میان قهرمان شاهنامه و یک اژدها که نمادی از پلیدی است، در جریان است. طبق گفتار بنیامین، خشونت اسطوره‌ای خونین است و خون، نماد زندگی محض است. رنگ قرمز زمینه، بیان خونینی از مبارزه در جریان است که در آن، قانونی ستانده‌شده و پلیدی نابود می‌گردد. در این مبارزه اسفندیار از ابزار برای پیروزی بهره می‌برد. در این داستان، خشونت با لذت کشتن اژدها (پلیدی) همراه است و با وجود تصویر کردن صحنه‌ای بسیار فجیع، بیننده از پیروزی قهرمان داستان خرسند می‌گردد. هیبت بزرگ و هیولوار اژدها، درک کاملی از نیروی شرّ ارائه می‌دهد و پیچش بدن مارگونه آن، از دشواری کشتنش خبر می‌دهد.



تصویر ۲. کشتن شدن اژدها به دست گشتاسب. شاهنامه شاه‌طهماسب، میرزا علی، صفوی، دوره تبریز ۲ (۱۵۳۱/۳۳ م.). ([www.pinterest.it](http://www.pinterest.it))

تصویر دوم نیز صورتی دیگر از کشتن اژدها (نیروی شر) توسط پهلوانی اسطوره‌ای است. اژدهای پلید به رنگ سیاه و گشتاسب با اسبی سفید نشان داده شده است. به طور کلی، نگاره‌های حاوی اتفاقات ناگوار، خشن و پر مخاطره، در هنر ایران زمین به شکلی تصویر می‌شود که حتی خشونت اعمال شده در بطن تصویر، ناخوشایند نیست. صحنه‌های کشتار، چه انسان و چه غیرانسان، با خشونتی زیبا تصویر می‌شوند که مخاطب با دیدن آن‌ها دچار رعب و وحشت نشود، حال آنکه خشونت بالذات حاوی رعب است. هنر نگارگری ایران در این است که زیبایی را در همه ابعاد نمایان می‌سازد؛ به تصویر سوم بنگرید.



تصویر ۳. کشتن اژدها توسط رستم. شاهنامه شاه اسماعیل دوم، صادقی (بیگ)، مکتب تبریز ۲، ۱۵۷۶، موزه آقا خان، تورنتو، کانادا. (www.fa.wikipedia.org)

در این تصویر که صحنه کشتن اژدها توسط رستم را نشان می‌دهد نیز خشونت به وسیله گل‌ها و گیاهان مختلف تلطیف شده است. در این نگاره، اسب رستم نیز به عنوان بخشی از نیروی خیر به مبارزه با اژدها پرداخته و از جایگاه ویژه مرکب نزد انسان حکایت دارد. در تمام این نگاره‌ها، که لحظه ضربه زدن به اژدها را تصویر می‌کند، خون جاری است که نمایانگر خشونت اسطوره‌ای خونین است. از منظر دیگری نیز می‌توان به این موضوع نگریست و آن تلطیف خشونت نمایشی در آثار نگارگری ایرانی است، چراکه برخلاف آثار غربی، حتی ریختن خون اهریمنان منجرکننده نیست.



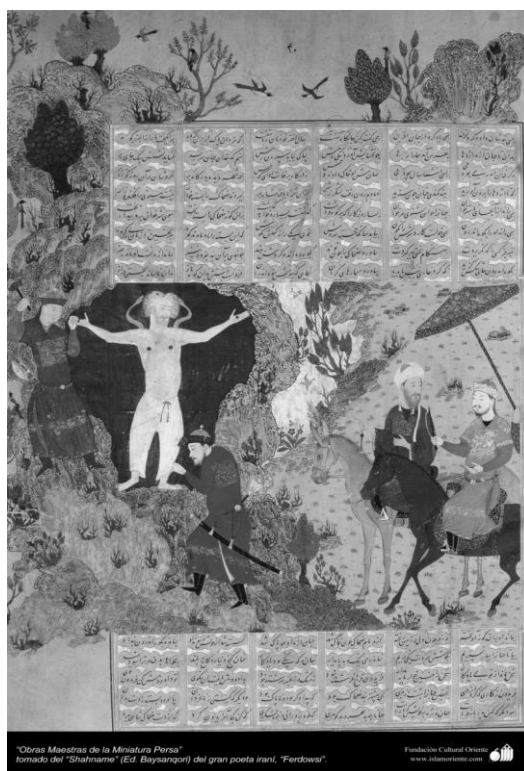
تصویر ۴. حمله دیوان به تیمور. شاهنامه قاسمی، همراه با تیمورنامه هاتفی در حاشیه. کاغذ ابر و باد متعلق به قرن دهم هجری. محفوظ در ایران. (بینیون و همکاران ۱۳۹۶: ۳۰۷)

دیو در نگارگری با چهره‌ای هول‌انگیز و ترسناک تصویر می‌شود. در تجسم دیوها، آن‌ها با انسان و حیواناتی چون سگ، بوزینه، گرگ، یوزپلنگ و... ترکیب و تلفیق شده‌اند که در شکل کلی، نمادی از درنده‌خویی را تداعی می‌کند. دیوها نمادی از خوی زشت آدمی‌اند که در هیئت انسان - حیوان تصویر شده‌اند. (نقشبندی و مقدسی ۱۳۹۵: ۲۱) دیو در افسانه‌های ایرانی مظهر خشونت است، هیبتی ترسناک دارد و برای رسیدن به اهداف خود، به زور متوسل می‌شود. (یاقوتی ۱۳۸۰: ۳۶) در تصویر چهار، که حمله دیوان به تیمور را نمایش می‌دهد، چندین

س ۱۶ - ش ۵۹ - تابستان ۹۹ - خشونت در مجالس رزم با تأکید بر نگاره‌های اسطوره‌ای... / ۱۹۳

دیو با حالاتی مختلف ترسیم شده‌اند که برخی در حال مبارزه‌اند و برخی شکست‌خورده، بر روی زمین غلتیده‌اند. قهرمان داستان که به مبارزه با شرارت پرداخته، به دنبال برقراری نظم اجتماعی است و دیوان با چهره‌هایی زشت و اغراق‌شده، در حال جنگند که مخاطب با برقراری عدالت و نابودی آن‌ها هم‌عقیده شود.

در تصویری دیگر، زنجیر شدن ضحاک بررسی شده است. ضحاک در روایات اسطوره‌ای، به صورت یک دیو بازنمایانده شده و در روایات حماسی و تاریخی، شاهی انیرانی (ضد ایرانی) معرفی شده است. (واشقانی فراهانی و یزدان‌خواه ۱۳۹۱: ۲۳)



تصویر ۵. به زنجیر شدن ضحاک در کوه دماوند. شاهنامه بایسنقری. (بینیون و همکاران ۱۳۹۶: ۱۶۸)

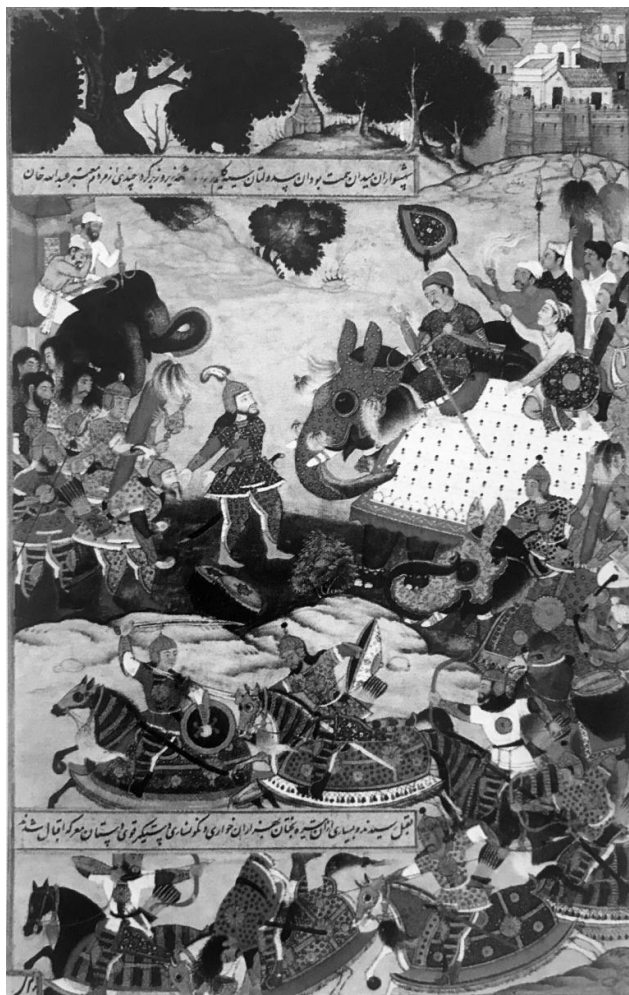
ضحاک در شاهنامه با اهریمن رابطه‌ای تنگاتنگ دارد؛ اهریمن او را به کشتن پدرش فرمان می‌دهد، اهریمن او را به خورش‌های گوشتی می‌پرورد، اهریمن بر

شانه‌های او بوسه می‌زند و سبب رویش مارها می‌شود، اهریمن در هیبت آشپز به او پیشنهاد می‌دهد برای آسایش ماران، هر روز مغز دو جوان را به آنان بدهد، حتی خاستگاه او گاهی یمن یا هاماوران<sup>(۱)</sup> معرفی شده که سرزمینی نمادین و اهریمنی است. نکته قابل تامل آنکه، ضحاک که در متون اوستایی و پهلوی به شکل دیوی دهشتناک تجسم داشت، در ادبیات پس از اسلام، به صورت آدمی نمود می‌یابد، هرچند در باطن چیزی جز همان دیو نیست. (زمردی و نظری ۱۳۹۱: ۸۴)

«ضحاک در روایات اساطیری، دیو (جانوری مهیب با سه دهان، سه سر و شش چشم) است. اما در شاهنامه، این موجود به صورت آدمی درآمد که دو مار بر دوش او رسته است. سرانجام، کاوه بر ضحاک شورید و فریدون را به شاهی نشان داد و فریدون ضحاک را به رهنمود سروش، در کوه دماوند به بند کشید. فردوسی ضحاک را چندین بار، مطلقاً ازدها خوانده است. ضحاک در روایات ایرانی تجسم نیروی شر است.» (واشقانی فراهانی و یزدان‌خواه ۱۳۹۱: ۲۴-۲۳)

این نگاره تجسم بخشیدن دیو در پیکره یک انسان است، گرچه صفت اهریمنی او در شمایل‌های مارگونه، بر دوش او قرار گرفته‌اند؛ انسانی پلید که با کشتن جوانان می‌زید و سرانجام همانند دیگر اهریمنان، شکست می‌خورد. طبق گفته بنیامین - و به پیروی از او، به عقیده ژیزک - خشونت اسطوره‌ای برساننده قانون است. آنچه در این نگاره به چشم می‌خورد، قد علم کردن قانون در مقابل ظلم است؛ ضحاک سرانجام توسط کاوه به زیر کشیده می‌شود و به دست افراسیاب کشته می‌شود. قانون، ظلم را از میان بر می‌دارد و سرانجام حق به حق‌دار می‌رسد؛ اینجاست که قانون در مقابل شر می‌ایستد، همان مفهوم مبارزه دائمی خیر با شر. نیروی خیر همواره پیروز است و شر محکوم به نابودی است. این چرخه بی‌پایان تمام مبارزات اسطوره‌ای است.

آنچه در دوره‌ای به عنوان شر و اهریمن به تصویر درآمده (تصویر اول) که به صورت خط‌های محکم، خشونت تصویری، سیمایی ترسناک با دهانی باز و رعب‌انگیز، در دوره‌ای دیگر جدا از ظاهر دیومانند، رفتارهای شرگونه می‌یابد، همچون تصویر چهارم که دیوان سنگ در دست دارند و در نبرد با اشخاص، به عنوان سلاح از آن بهره می‌برند. در این بین، مفهوم مبارزه است که همواره جریانی پایدار دارد؛ یا پیروزی است یا شکست، اما تصاویر تنها عملکردها را نشان می‌دهد.



تصویر ۶. نبرد میان نیروهای ایران و توران. برگرفته از نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی، متعلق به اواخر سده شانزدهم م. / یازدهم ه.

تصویر ششم، مبارزه لشکر ایران و توران را به تصویر می‌کشد. مرگ سیاوش موجب بروز سلسه جنگ‌هایی بین ایران و توران شد که در آن هریک از دو طرف، چشم به پهلوانی دوخته بودند که جریان نبرد را به سود او برگرداند. کشته شدن سیاوش به دست تورانیان، نمونه‌ای برجسته از نیرنگ و دورویی آنان به شمار می‌رفت و همه پهلوانان ایرانی سوگند یاد کردند به خون‌خواهی سیاوش برخیزند. در اینجا سپاه ایرانیان نمونه بارز خیر و سپاه تورانیان نمونه روشنی از

شرّ و تباهی است، تصویری نمادین و دوایستی در نگارگری ایران که خشونت را از طریق تصویر کردن کمان‌های کشیده، نیزه‌های برافراشته، رنگ قرمز و هیاهوی تصویر نشان داده است. طبق گفتار ژیتزک در کتاب *خشونت*،

«سرچشمه خیر و نیکی، قدرت است که مختصات هستی محدود ما را به باد می‌دهد؛ قدرت ویران‌گری که از نظر قالب هستی با ثبات و محدود ما، تنها می‌تواند شرّ به نظر برسد. همین سخن درباره رابطه میان میرایی و نامیرایی صادق است. بر اساس حکم ایدئولوژیک سنتی معمول، نامیرایی با خیر و نیکی، و میرایی با شرّ و پلیدی در پیوند است؛ چیزی که باعث نیکی ما می‌شود آگاهی‌مان از نامیرایی است (نامیرایی خداوند یگانه، روح خودمان، تلاش اخلاقی متعالی، و...)، حال آنکه ریشه شرّ و پلیدی، تن دادن ما به میرایی‌مان است. حالت وارونه این حکم معمول هم وجود دارد که این فرضیه را آشکار می‌کند که نامیرایی آغازین را متعلق به شرّ و پلیدی بداند. شرّ چیزی است که خطر بازگشت همیشگی دارد. به همین دلیل، پیروزی نیکی بر بدی در توانایی مردن، دوباره به دست آوردن معصومیت طبیعی، به آرامش رسیدن از طریق خلاص شدن از بی‌کرامتی غیراخلاقی و نفرت‌انگیز شرّ و پلیدی است.» (۱۳۹۲: ۷۵)

از آنچه در این گفتار مشخص است، نظر به همیشگی بودن شرّ، می‌توان اسطوره مبارزه با شرّ را در ایران جست‌وجو کرد.

«باور زرتشت این بود که نبردی توان‌فرسا در جهان و نیز در روان‌های آدمیان، میان نیروهای خیر و شرّ جریان دارد. او دو گروه روان‌های متضاد را مشخص می‌کند که از آغاز در کشاکش باهم‌اند و در پس پشت هریک از این گروه‌ها، در یک‌سو سپاهی از یزدان و فرشتگان ایستاده‌اند و در سوی دیگر، در سوی شرّ و بدی، انبوهی از دیوها. انسان‌ها یاران اهورامزدایند، در نبرد با اهریمنی که شکست دادنش، هدف و مقصد آفرینش است.» (آلن و همکاران ۱۳۸۴: ۵۸)

«اهورامزدا دانست که اگر بگذارد اهریمن تا همیشه در برابرش بایستد، شاید روزی بتواند نیکویی را بالاید، پس پیشنهاد کرد که نبرد میان آن دو تنها تا مدتی ادامه داشته باشد و اهریمن که نادانی و آزتند ویی هوش از سرش برده بود، نسنجیده پذیرفت.» (همان: ۶۲)

این‌گونه است که مجالس متعدد مبارزه شکل گرفت و هریک با رنگ و طرحی متفاوت اما یک نیت مشترک، که همانا مبارزه همیشگی خیر با شرّ است، در دوره‌های متعدد هنری تکرار شد. این مبارزات همیشگی است و طبق گفتار ژیتزک، خطر بازگشت شرّ، همیشه هست.



## نتیجه

مبارزه در ادب و هنر ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد و همواره از دوران کهن مورد توجه نگارگران بوده است. عصاره وجودی مجالس رزم، بر پایه تفکر ثنویت جهان شکل گرفته و همواره میان نیکی و پلیدی مبارزه‌ای در جریان است. پیروزی و برتری اخلاقیات، مهم‌ترین وجه تصویرگری مجالس رزم است. آثار ادبی و هنری بسیاری از شاعران و نگارگران باقی مانده است که از دلایل پایداریشان، شیوه‌ها و روش‌های مختلف بیان آن‌هاست که زیبایی و مفاهیم اخلاقی را به بهترین شکل ممکن، انعکاس می‌دهند. همچنان‌که هدف شاعر از سرودن، تنها بیان منظوم روایت و داستان نیست و در پس هر کلمه و آهنگ، معنا و مفهومی مستتر است که ضمن لذت از شکل بیانی و صورت ظاهری، درون‌مایه اثر، نگاه و نشان از واقعیت دیگری دارد، نگارگر نیز تنها نقاشی نمی‌کند بلکه بن‌مایه، جوهر و مفهوم را با لحاظ مشخصه‌های عقیدتی، زیبایی، هرمنوتیک و با روحی معنوی، به تصویر می‌کشد.

در تصویرگری مجالس رزم، آنچه توجه مخاطب را جلب می‌کند، اصل مبارزه و خشونت دوالیستی در جریان آن است؛ صحنه‌هایی از مرگ و درگیری، خون و عدالت‌جویی. طبق گفتار ژیتسک، خشونت اسطوره‌ای به دنبال عدالت، گرفتن قربانی و مکافات اعمال است؛ دقیقاً آنچه که پهلوانان داستان‌ها به دنبال آنند. خشونت آن مفهومی است که انسان از ابتدای آفرینش و با شکل‌گیری اهریمن و نمادهای مختلف شر، با آن مواجه است و انتظار می‌رود همیشه باقی باشد.

به این ترتیب، نگاره‌های برگرفته از اساطیر که مبارزه را به تصویر کشیده‌اند، تنها بازتاب آشکار واقعیت نیستند، بلکه از منظر غایی به اثر نگریسته و در پی معناسازی هستند. وصول به حقیقت اثر، کاری بس دشوار است، همانند دریافتن با دیوان، که مبارزه دائمی خیر و شر را تداعی می‌کند؛ خیر ظاهری پسندیده و شر ظاهری نکوهیده دارد. اسطوره‌ها به عنوان آغاز استفاده هنرمندان از قوه مخیله، همواره اهمیت بسیار دارد، زیرا مبارزات دائمی ترسیم‌شده در آن‌ها، برای رسیدن به هدف غایی و دریافت برتری و رهیافت درست، موضوع مشترک بسیاری از نگارگری‌های دوره‌های بعدی است.

## پی‌نوشت

(۱) شکل فارسی‌شده نام کشور قدیمی «حمیر»، واقع در یمن امروزی.

## کتابنامه

- آلن، تونی؛ چارلز فیلیپس؛ مایکل کریگان؛ زهره هدایتی و رامین کریمیان. ۱۳۸۴. «سرور دانای آسمان‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی»، *نامه ایران باستان*. ش ۹ و ۱۰. صص ۶۴-۶۱.
- افراسیابی، درسا و سیامک علیزاده. ۱۳۹۳. «مطالعه تطبیقی دو نگاره جنگ اژدها با رستم/ اسفندیار در مکتب شیراز در دوره آل اینجو و تیموری». *دوفصلنامه پیکره*. ش ۶. صص ۷۴-۶۳.
- بینیون، لورنس؛ ج.و.س. ویلکینسون، و بازیل گری. ۱۳۹۶. *تاریخ تحلیلی هنر نگارگری ایران*. ترجمه محمد ایران‌منش. تهران: امیرکبیر.
- توانا، محمدعلی و نفیسه اله‌دادی. ۱۳۹۶. «خشونت در وضع مدنی هابز: بازخوانی لویاتان». *پژوهش سیاست نظری*. ش ۲۲. صص ۲۷-۱.
- حاجی‌زاده، رفعت. ۱۳۸۵. «خیر و شر در آئین مزدیسنی». *پژوهشنامه ادب حماسی*. ش ۲. صص ۱۱۸-۸۷.
- ریپکا، یان و دیگران. ۱۳۸۱. *تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه*. ترجمه عیسی شهابی. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- زمردی، حمیرا و زهرا نظری. ۱۳۹۱. «خاستگاه و ردپای دیو و اهریمن در ادب کهن فارسی». *بوستان ادب*. دانشگاه شیراز. س ۴. ش ۱. صص ۹۹-۷۳.
- ژیژک، اسلاوی. ۱۳۹۲. *خشونت (پنج نگاه زیر چشمی)*، ترجمه علی‌رضا پاکنهاد. تهران: نشر نی.
- گویاجی، جس‌سی. ۱۳۵۳. *آئین‌ها و افسانه‌های چین باستان*. ترجمه جلیل دوستخواه. تهران: فرانکلین.
- نقشبندی، سیدایوب و فاطمه مقدسی. ۱۳۹۵. «نمادگرایی و اسطوره‌گرایی در زندگی انسان». *مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه*. ش ۲ و ۳. صص ۲۳-۱۶.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم و نسیم یزدان‌خواه. ۱۳۹۱. «توصیف نمودهای اهریمنی در نگاره‌های شاهنامه طهماسبی». *ادب و عرفان*. ش ۱۱. صص ۳۶-۱۱.
- واشقانی فراهانی، ابراهیم و ناصر مقدم‌پور. ۱۳۹۲. «رزم و بزم در هنر ایرانی». *مطالعات ایرانی*. ش ۲۴. صص ۳۲۳-۳۰۳.
- یاقوتی، منصور. ۱۳۸۰. «دیو، مظهر خشونت در ادب کهن». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. ش ۲۷. صص ۳۷-۳۴.

<https://www.pinterest.it/pin/316659417530480042/> Saturday 10:08 PM.  
[https://fa.wikipedia.org/wiki/D9BED8B1D988D986D8AFD987:Rustam\\_kills\\_the\\_dragon\\_folio\\_from\\_Shahnameh\\_of\\_Shah\\_Ismail\\_II,attrib.Sadegi\\_\(Beg\),\\_Iran,\\_Tabriz,\\_c.1576AD,view1-AgaKhanMuseum.Toronto,D5C06935.jpg](https://fa.wikipedia.org/wiki/D9BED8B1D988D986D8AFD987:Rustam_kills_the_dragon_folio_from_Shahnameh_of_Shah_Ismail_II,attrib.Sadegi_(Beg),_Iran,_Tabriz,_c.1576AD,view1-AgaKhanMuseum.Toronto,D5C06935.jpg)

### References

- Afrāsīyābī, Dorsā and Sīyāmak Alīzāde. (2014/1393SH). "Motāle'e-ye Taṭbīqī-ye Dow Negāre-ye jang-e Aẓdahā Bā Rotam/Sfandīyār dar Maktab-e Šīrāz Dar Dore-ye Al-e Injū & Teymūrī". *Faculty of Peykare*. No.6.Pp.63-74.
- Allen, Tony; Philips Charles; Carrie, Michael; Guidance, Zohreh and Rāmīn Karīmīyān. (2005/1384SH). "Sarvar-e Dānā-ye Asmān-hā, Ostūre-hā va afsāne-hā-ye Irānī". *Name-ye Irān-e Bāstān*. No. 9,10. Pp.61-64.
- BiNyōn, Laurence; Wilkinson, J.S., and Basil Gary. (2017/1396SH). "Tārīx Tahlīlī-ye Honar-e negār garī-ye Irān" (*Analytical History of Iranian Art Painting*). translated by Mohammad Irānmaneš. Tehrān: Amīr Kabīr.
- Coyajee, J.c. (1974/1353SH). *A'īn-hā va āfsāne-hā-ye Ān (Rhymes and legends of Ancient China)*. Tr. by Jalīl Dūstxāh. Tehrān: Frānklin.
- Hājīzāde, Raf'at. (2006/1385SH). "Xeyr va Sarr dar Aī'n-e Mazdīsī". *Epic Literary Research*. No.2. Pp.87-118.
- Naqšbandī, Seyyed Ayyūb, and Fāteme Moqaddasī. (2016/1395SH). "Namād-gerāeī va Ostūre-Gerāeī dar zendegī-ye Ensān". *Literature Studies, Mysticism and Philosophy*. No.2,3, Pp.16-23.
- Rypka, Yan and et al. (2002/1381SH). *Tārīx-e Adabīyāt-e Irān az Dowrān-e Bāstān tā Qājārī-ye*. (*History of Iranian Literature from Ancient to Qajar*). Tr. by Isā Šahābī. 2<sup>nd</sup> Ed. Tehrān: Elmī va farhangī.
- Tavānā, Mohammad Alī, and Nafīse AllāhDādī. (2017/1396SH). "Xošūnat dar vaz'e madanī-ye Hobbes: Bāzxāī-ye Levaethan". *Theory Policy Research*. No.22. Pp.1-27.
- Vašeḡānī Farāhanī, Ebrāhīm, and Nasīm Yazdānxāh. (2012/1391SH). "Tosīf-e Nemūd-hā-ye Ahrīmanī dar Negāre-hā-ye Šāh-nāme-ye Tahmāsbī". *Adab va Erfān*. No.11. Pp.11-36.
- Vašeḡānī Farāhanī, Ebrāhīm, and Nāser Moqaddam pūr. (2013/1392SH). "Ramz va Bazm dar Honar-e Irānī". *Irānīyan Studies*. No.24. Pp.303-323.
- Yāḡūtī, Mansūr. (2001/1380SH). "Dīv Mazhar-e Xošūnat dar Adab-e Kōhan". *Research Paper on Children and Adolescents*. No.27. Pp.34-37.
- Žižek, Slavoj. (2013/1392SH). *Xošūnat (Violence: Five Look Under the Eye)*. Tr. by Alīrezā Pāk nahād. Tehrān: Ney.
- zomorodī, Homeyrā, and Zahrā Nazārī. (2012/1391SH). "Xāstgāh va Radd-e Pā-ye Dīv va Ahrīman dar adab-e Kōhan-e Fārsī". *Bostān-e Adāb*. University of Shiraz, year.4, No.1. pp.73-99.